

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

دانشگاه باقر العلوم 

پایان نامه

کارشناسی ارشد علوم سیاسی

عنوان

الگوی فرهنگ سیاسی در جامعه نبوی ﷺ

استاد راهنما: حجة الاسلام والمسلمین دکتر غلامرضا بهروز لک

استاد مشاور: حجة الاسلام والمسلمین دکتر نجف لک زایی

نگارنده: صادق محمدی پور

1387

تقديم به روح مطهر

خاتم الانبياء و المرسلين

حضرت محمد مصطفى ؑ

با سپاس و امتنان

سپاس خدایی را که هر چه داریم از اوست.

بر خود لازم می‌دانم که از زحمات استاد گرانقدر جناب حجه الاسلام و المسلمین دکتر بهروز لک که جدا در تدوین این پایان‌نامه بنده را راهنمایی و از نظریات ارزشمند خود ما را بهره‌مند نموده و همچنین از زحمات استاد گرانقدر جناب حجه الاسلام و المسلمین دکتر نجف لک‌زایی که مشاوره این پژوهش را پذیرفتند و از نظریات ارزشمندشان بهره برده‌ام کمال تشکر و قدردانی را بنمایم.

و همچنین از کلیه اساتید و مسئولین محترم دانشگاه و دوستان محترمی که در تدوین این پژوهش بذل محبت نموده و با نظریات خود راهگشای راه ما بودند خصوصاً استاد ارجمند جناب آقای دکتر عبد الوهاب فراتی کمال تشکر و قدردانی را دارم.

در نهایت از زحمات خانواده محترم که در طول دوره تحصیل همکاری فراوانی نموده کمال تشکر و قدردانی را دارم و از خداوند منان توفیق همگان را خواستارم.

چکیده پایان نامه

مبحث کانونی این رساله، بررسی و مطالعه الگوی فرهنگ سیاسی مدینه نبوی ﷺ پس از تشکیل حکومت اسلامی در یثرب است. بدون تردید پیامبر ﷺ توانست با تحولی که در فرهنگ سیاسی جاهلیت بوجود آورد اعراب را وارد عصر جدیدی بنماید که از آن به پایان جاهلیت یاد می کنند. فرهنگ سیاسی اعراب در گذشته در مفهوم و ماهیت ساختار قبیله معنا می یافت و افراد بر حسب جایگاه و موقعیتی که در چنین ساختاری داشتند به تعاملات سیاسی می پرداختند. فرد تابعی از؟ قبیله بود و نقشی بالاصاله در سامانه سیاسی قبیله نداشت. وجود نوعی فاصله و تمایز میان افراد قبیله به فرهنگ سیاسی قبیله صورتی ویژه می بخشید. اما با ظهور پیامبر اسلام ﷺ قبیله در مفهوم امت اسلامی معنای جدیدی یافت و فردیت فرد بیش از گذشته مورد توجه قرار گرفت. اینکه چگونه این تحول رخ داد؟ مهم ترین پرسش است که این رساله می کوشد بدان پاسخ گوید. بدین منظور این رساله کوشیده است با بهرمندی از مفهوم فرهنگ سیاسی در نظریه آلموند و وربا، عناصر اصلی فرهنگ سیاسی را تعریف و سپس با تاکید بر نظریه تحول باطنی شهید صدر، نشان دهد که چگونه پیامبر ﷺ توانسته است فرهنگ سیاسی اعراب عصر جاهلی را به فرهنگ سیاسی عصر اسلامی، انتقال دهد. بررسیهای ما نشان می دهد که فرهنگ سیاسی اعراب از فرهنگ تبعی به فرهنگ سیاسی فعال در عصر اسلامی مبدل شده است و مردم خود را در آن شریک و سهم می دانستند.

کلیدواژه‌ها: فرهنگ سیاسی، قبیله، تحول باطنی و دگرگونی اجتماعی

فهرست

1	<u>مقدمه: طرح تفصیلی تحقیق</u>
2	<u>بیان مساله:</u>
4	<u>ضرورت و اهمیت موضوع:</u>
4	<u>سئوال اصلی پژوهش:</u>
4	<u>فرضیه پژوهش:</u>
5	<u>مفاهیم پژوهش:</u>
6	<u>روش تحلیل داده‌های پژوهش:</u>
6	<u>پیشینه پژوهش:</u>
7	<u>سازماندهی پژوهش:</u>
8	<u>فصل اول: کلیات و تمهیدات نظری</u>
9	<u>مقدمه</u>
9	<u>گفتار اول: مفاهیم مربوط به نظریه شهید صدر</u>
9	<u>محتوای درونی انسانی و دگرگونی اجتماعی</u>
11	<u>اساس محتوای درونی انسان</u>
14	<u>اسوه یا الگو</u>
14	<u>نقش و اهمیت الگو</u>
16	<u>ویژگیهای الگو</u>
16	<u>الگو یا نمونه برتر از نظر شهید صدر</u>
18	<u>الگو بودن پیامبر ﷺ</u>
22	<u>گفتار دوم: مفاهیم مربوط به نظریه آلموند و وربا</u>
22	<u>فرهنگ</u>
25	<u>فرهنگ سیاسی و توسعه سیاسی</u>
27	<u>پیدایش مفهوم فرهنگ سیاسی</u>
32	<u>ماهیت فرهنگ سیاسی</u>
34	<u>اجزای فرهنگ سیاسی</u>
35	<u>جهت گیری‌های فرهنگ سیاسی</u>
37	<u>تنوع در تقسیم بندی فرهنگ سیاسی</u>

نتیجه‌گیری : 41

فصل دوم: زمینه اجتماعی و فرهنگ سیاسی در عصر جاهلی تا آستانه

بعثت Error! Bookmark not defined.

مقدمه: Error! Bookmark not defined.

وضعیت جغرافیایی جزیره العرب در آستانه ظهور Error! Bookmark not defined.

وضعیت مذهبی جزیره العرب Error! Bookmark not defined.

ورود بت پرستی به سرزمین اعراب Error! Bookmark not defined.

وضعیت اجتماعی جزیره العرب در آستانه ظهور Error! Bookmark not defined.

عرب پیش از اسلام Error! Bookmark not defined.

جهان در هنگام بعثت Error! Bookmark not defined.

روحیه مردم جزیره العرب Error! Bookmark not defined.

معنا و مفهوم جاهلیت و ویژگیهای آن Error! Bookmark not defined.

جایگاه اوهام و خرافات در جزیره العرب Error! Bookmark not defined.

مبارزه با بت پرستی و الوهیت Error! Bookmark not defined.

اوضاع فرهنگی جزیره العرب و اخلاق عمومی عرب قبل از اسلام ... Error! Bookmark

not defined.

الف) صفات خوب و پسندیده Error! Bookmark not defined.

ب) صفات زشت و نا پسند Error! Bookmark not defined.

جلوه‌های برجسته مفاسد اجتماعی در عصر بعثت از نظر قرآن کریم Error! Bookmark not

defined.

الف) مفاسد فرهنگی و اخلاقی Error! Bookmark not defined.

تفسیر عرب جاهلی از اخلاق عمومی Error! Bookmark not defined.

وضعیت اقتصادی جزیره العرب هنگام بعثت Error! Bookmark not defined.

ساختار سیاسی جزیره العرب قبل از ظهور اسلام در جزیره العرب .. Error! Bookmark

not defined.

دولت شهرهای شبه جزیره عربستان در هنگام ظهور Error! Bookmark not defined.

ساخت سیاسی قبیله (حیات سیاسی عرب) Error! Bookmark not defined.

مردم جزیره العرب، جنگ و خون خواهی Error! Bookmark not defined.

عوامل عدم تکیون قدرت متمرکز Error! Bookmark not defined.

Error! Bookmark not defined.....	<u>فقدان حکومت مرکزی</u>
Error! Bookmark not defined.....	<u>جایگاه زنان در حکومت</u>
Error! Bookmark not defined.....	<u>نظام حاکم در ازدواج</u>
Error! Bookmark not defined.....	<u>اهمیت دادن به زنان در حکومت پیامبر ﷺ</u>
Error! Bookmark not defined.	<u>نتیجه گیری:</u>
Error! Bookmark not defined.	فصل سوم: ظهور اسلام و شکل گیری فرهنگ سیاسی دینی
	not defined.
Error! Bookmark not defined.	<u>مقدمه</u>
Error! Bookmark not defined.	<u>ماموریت های سیاسی پیامبر اسلام ﷺ</u>
Error! Bookmark not defined.....	<u>1- برقراری عدالت</u>
Error! Bookmark not defined.....	<u>2- تحقق آزادی</u>
Error! Bookmark not defined.....	<u>3- هدایت و رشد سیاسی</u>
Error! Bookmark not defined.....	<u>4- اقامه قسط و عدل</u>
Error! Bookmark not defined.....	<u>5- امر به معروف و نهی از منکر</u>
Error! Bookmark not defined.....	<u>6- جهاد در راه خدا</u>
Error! Bookmark not defined.....	<u>7- دعوت به توحید و دوری از شرک</u>
Error! Bookmark not defined.	<u>اقدامات فرهنگ سیاسی پیامبر اکرم ﷺ در مکه</u>
Error! Bookmark not defined.....	<u>1. دعوت به حاکمیت توحیدی</u>
Error! Bookmark not defined.....	<u>2. جهاد فکری و عقیدتی پیامبر اکرم ﷺ از بعثت تا هجرت</u>
Error! Bookmark not defined.....	<u>3. اصلاح جامعه و هدایت مردم</u>
Error! Bookmark not defined.....	<u>4. مبارزه با سران فساد بر اساس نوع روش آنان.</u>
Error! Bookmark not defined.....	<u>5. اصل عدم انظلام</u>
Error! Bookmark not defined.....	<u>6. هجرت</u>
Error! Bookmark not defined.....	<u>چرا یثرب؟</u>
Error! Bookmark not defined.....	<u>آغاز هجرت</u>
Error! Bookmark not defined.....	<u>استقبال از رهبر</u>
Error! Bookmark not defined.....	<u>مدینه و قبیله اوس و خزرج</u>
Error! Bookmark not defined.....	<u>علل پذیرش اسلام توسط اوس و خزرج</u>
Error! Bookmark not defined.....	<u>اقدامات فرهنگ سیاسی پیامبر ﷺ در یثرب (مدینه النبی).</u>
Error! Bookmark not defined.....	<u>جایگاه عدالت در حکومت پیامبر اکرم ﷺ</u>

Error! Bookmark not defined. عناصر دولت نبوی (ایجاد ساختار سیاسی)

Error! Bookmark not defined. تاسیس جامعه اسلامی و اصل بیعت

Error! Bookmark not defined. مختصات عمومی دولت نبوی ﷺ

Error! Bookmark not defined. اقدامات زیربنایی پیامبر اکرم ﷺ در مدینه

Error! Bookmark not defined. متن سند (میثاق مدینه)

Error! Bookmark not defined. عهدنامه حسن همجواری

Error! Bookmark not defined. نتیجه گیری

فصل چهارم: ویژگیها و روشهای تعمیق فرهنگ سیاسی در سنت و سیره

Error! Bookmark not defined. نبوی ﷺ

Error! Bookmark not defined. مقدمه:

Error! Bookmark not defined. حکومت پیامبر ﷺ

Error! Bookmark not defined. ویژگیهای حکومت پیامبر ﷺ و جایگاه مردم در اداره کشور

Error! Bookmark not defined. قانونگذاری در حکومت نبوی و جایگاه مردم

Error! Bookmark not defined. عواملی که سبب جذب مردمان به آیین اسلام گردید:

Error! Bookmark not defined. اصول اخلاق سیاسی در سیره نبوی

Error! Bookmark not defined. روش موفقیت پیامبر اکرم ﷺ در فرآیند تحول از عصر جاهلی به عصر اسلام
defined.

Error! Bookmark not defined. موفقیت پیامبر ﷺ از دیدگاه شخصیت‌های فکری و سیاسی جهان
defined.

Error! Bookmark not defined. نتیجه گیری نهایی:

Error! Bookmark not defined. فهرست منابع

مقدمه: طرح تفصیلی تحقیق

بیان مساله:

پیامبر اکرم ﷺ با آغاز بعثت و رسالت خود با نظام‌های فرهنگی، سیاسی- اجتماعی بسیار فاسد و به دور از جایگاه حقیقی انسان مواجه است که بر حیات انسانها سیطره دارند. حضرت علی علیه السلام در توصیف این شرایط می‌فرماید:

خدا پیامبر اسلام را هنگامی مبعوث فرمود که از زمان بعثت پیامبران پیشین مدتهای مدیدی گذشته و ملتها در خواب عمیق فرو رفته بودند. فتنه و فساد جهان را فراگرفته و اعمال زشت رواج یافته بود. آتش جنگ در همه جا زبانه می کشید و دنیا بی نور و پر از مکر و فریب گشته بود. برگهای درخت زندگی به زردی گراییده و از میوه آن خبری نبود، آب حیات فرو خشکیده و نشانه‌های هدایت، کهنه و ویران شده بود. پرچم‌های هلاکت و گمراهی آشکار و دنیا با قیافه زشتی به مردم می‌نگریست و با چهره‌ای عبوس و غم‌آلود با اهل دنیا روبرو می‌گشت. میوه درخت دنیا در جاهلیت، فتنه شده و خوراکش مردار بود. درونش وحشت و اضطراب و بر بیرون، شمشیرهای ستم حکومت داشت.¹

از کلام حضرت علی علیه السلام که در این دوران زندگی می‌نمودند به دست می‌آید که معضل و مشکل بشر آن روز، از بین رفتن ارزش‌های انسانی و نابودی آنها و جایگزینی زشتی‌ها و ظلم‌ها و جنگ و تجاوزات

1- دشتی، محمد، تحقیق و ترجمه نهج‌البلاغه، قم، نشر مشرقین 1379 ص 151

بود و بشر از تعصبات قومی، خرافه پرستی، دخترکشی، رباخواری، بردگی، ظلم و تجاوز به حقوق یکدیگر، فاصله طبقاتی، بت پرستی و استثمار رنج می برد.

اولویت رسالت پیامبر اکرم^ﷺ نجات بشر از غل و زنجیرهای فرقه ای، و تعصبات قومی و شرک و بت پرستی و فتنه و فساد از حکومت های فاسد و استبدادی بود تا بتواند پیام حیات بخش خود را در نجات بشر به گوش جهانیان برساند و ارزش های انسانی و فطری را پایه روابط حاکم بر جوامع انسانی قرار دهد.

حضرت علی[ؓ] فلسفه آمدن انبیاء الهی را بیدار کردن فطریات بشر می داند و می فرماید:

خداوند پیامبران خود را یکی پس از دیگری در میان مردم فرستاد تا از آنان پیمان فطرت را مطالبه کنند و نعمت های فراموش شده خدا را یادآوری نمایند و از رهگذر تبلیغی بر آنان اتمام حجت کند و گنج های عقول مردم را استخراج نمایند.^۲

بنابراین سیره حکومتی پیامبر اکرم^ﷺ که محصول پیام رسالت و بعثت اوست، هم احیاء کننده ارزش های نهفته در ذات انسان است که در عصر جاهلیت آن زمان مرده بود و هم عرضه کننده همه ارزش هایی است که انسان با جایگاه خلیفه الهی و جانشین خدا بر زمین آنها را می طلبد و برخوردار از کرامت ویژه می تواند آن را تأمین کند. بنابراین پیامبر اسلام در سیره سیاسی و حکومتی خود دو هدف، کرامت ذاتی و کرامت ویژه را تعقیب می کرد که در صدد احیای اولی و معرفی و عرضه دومی به بشر بود. لذا در این تحقیق در صدد هستیم تا بگوئیم که فرهنگ سیاسی از مفاهیم بنیادی است که در جامعه کنونی گونه های مختلفی از آن را می توان مشاهده کرد ولی در سنت اسلامی و جامعه نبوی و سیره پیامبر گرامی اسلام نقش الگویی و تاثیر گذار دارد. یکی از مباحث مهم در جامعه نبوی، الگوی فرهنگ سیاسی در آن جامعه می باشد. در این تحقیق در صدد هستیم که الگوی فرهنگ سیاسی مورد نظر پیامبر گرامی اسلام در گذار از جامعه جاهلی به جامعه اسلامی در پرتو تعالیم آسمانی اسلام را تبیین نماییم. این تحقیق در صدد است با

2- الحسین الموسوی، ابوالحسن، نهج البلاغه (الشری فالرضی) (ف406ق) صبحی الصالح، دارالکتب اللبنانی، بیروت 1387ق، خطبه اول ص 39

شناسایی اقدامات و عملکرد پیامبر اکرم ﷺ در جامعه، فرآیند تبدیل فرهنگ موجود (جزیره العرب) به فرهنگ سیاسی مطلوب (حکومت نبوی در مدینه) را بررسی نماید.

ضرورت و اهمیت موضوع:

علیرغم روند عرف گرایی در سطح جهان، به نظر می رسد متون اسلامی هنوز محوریت خود را در این جوامع از دست نداده و همواره مسلمانان در بازسازی مسائل و مفاهیم جدید خود را مقید به شریعت اسلام دانسته و سیاست که شاید گسترده ترین و مهم ترین مساله کنونی مسلمانان باشد که در ابعاد مختلفی جوامع اسلامی را درگیر و دچار چالش های زیادی نموده است. تحلیل و تفسیر سیاسی دینی مبتنی بر بازیابی ابعاد سیاسی بر اساس سنت و سیره اسلامی است. این رساله می کوشد بخشی از این ابعاد را در محور فرهنگ سیاسی اسلامی بر اساس سنت نبوی ﷺ مورد بازخوانی قرار دهد.

سئوال اصلی پژوهش:

الگوی فرهنگ سیاسی در جامعه نبوی ﷺ چگونه بوده است؟

سئوال فرعی پژوهش:

فرهنگ سیاسی چیست؟

زمینه اجتماعی و فرهنگ سیاسی در عصر جاهلی تا آستانه بعثت چگونه بوده است؟

عواملی که موجب تحول در فرهنگ سیاسی اعراب تازه مسلمان شده، چه بوده است؟

فرهنگ سیاسی شکل گرفته در مدینه النبی دارای چه ویژگی هایی بود؟

فرضیه پژوهش:

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام می باشد

به طور خلاصه می توان گفت که پیامبر گرامی اسلام از طریق تغییر در محتوای باطنی اعراب (باورها و اراده‌ها) توانست فرهنگ سیاسی اعراب عصر خویش را که فرهنگی محدود بوده به فرهنگ سیاسی مشارکتی مبتنی بر دستورات اسلام طی 13 سال حکومت در مدینه ایجاد و نهادینه نماید.

مفاهیم پژوهش:

1. فرهنگ سیاسی و انواع آن
2. تحول باطنی و دگرگونی اجتماعی

روش تحلیل داده‌های پژوهش:

روش گردآوری اطلاعات و داده‌ها کتابخانه‌ای و نوع روش این تحقیق تاریخی و توصیفی تحلیلی می‌باشد و با استفاده از الگوی ترکیبی شهید صدر و آلموند و وربا به تحلیل داده‌ها خواهیم پرداخت..

پیشینه پژوهش:

در رابطه با این موضوع مقالات و کتب زیادی وجود دارد که در فهرست منابع به تعدادی از آنها اشاره شده است لکن مطالب مذکور در این کتب و مقالات یا به صورت کلی بیان شده است و یا اینکه به بخشی از مطالب در رابطه با این موضوع اشاره شده است. لکن در این تحقیق در صدد هستیم تا این موضوع را از جوانب مختلف و به صورت تفصیلی بیان نماییم مثلاً کتاب سیره نبوی اثر جناب آقای دلشاد و یا کتب حضرت آیه الله سبحانی، در رابطه با فرهنگ سیاسی پیامبر اکرم ﷺ بطور مستقل به این موضوع پرداخته اند هر چند در میان کتابهای آنان در رابطه با سیره سیاسی مطالبی را بطور پراکنده مطرح نموده اند و یا کتاب سیره پیامبر اعظم ﷺ در گذراز جامعه جاهلی به جامعه اسلامی اثر جناب آقای لک زائی و همچنین کتاب سیاست نبوی اثر جناب آقای علی اکبر علیخانی و همکاران این کتب یا بطور مستقل و منسجم به این موضوع پرداخته اند و یا بصورت کلی مقالاتی در این رابطه ارائه نموده اند هر چند این جانب از تمامی مطالب ارزشمند اساتید خودم، بهره کامل برده و از مطالب ارزشمند آنان کمال استفاده را نموده ام و در اینجا از خداوند منان توفیق همگان را خواستارم.

سازماندهی پژوهش:

این تحقیق دارای: یک مقدمه و چهار فصل و یک نتیجه گیری می باشد .

مقدمه:

فصل اول: کلیات و تمهیدات نظری

فصل دوم: زمینه اجتماعی و فرهنگ سیاسی در عصر جاهلی تا آستانه بعثت

فصل سوم: ظهور اسلام و شکل گیری فرهنگ سیاسی دینی

فصل چهارم: ویژگیها و روشهای تعمیق فرهنگ سیاسی در سنت و سیره نبوی

نتیجه گیری:

فصل اول: کلیات و تمهیدات نظری

مقدمه

در این فصل در صدد هستیم که کلیات و تمهیدات نظری که مربوط به چارچوب بحث ما می باشد را به طور تفصیل مورد بحث قرار دهیم. چارچوب ما از ترکیب دو نظریه شهید صدر و نظریه وربا و آلموند شکل می گیرد. لذا در ابتدا نظریه شهید صدر در رابطه با تغییر در محتوای باطنی و دگرگونی اجتماعی را توضیح خواهیم داد و سپس به فرهنگ سیاسی، ماهیت و انواع آن و نظریات دانشمندان با تاکید بر نظریه وربا و آلموند اشاره می کنیم.

گفتار اول: مفاهیم مربوط به نظریه شهید صدر

محتوای درونی انسانی و دگرگونی اجتماعی

دو عامل اندیشه و اراده در حقیقت، محتوای داخلی و احساس و ادراک درونی انسان را تشکیل می دهند پس آنچه در فکر و ذهن آدمی است سازنده هدفها است که از طریق در آمیختن اندیشه ای خاص و اراده و قصدی معین به هدفها عینیت و تجسم می بخشد.

با این حساب، اگر گفته شود که محتوای درونی انسان، اساس حرکت تاریخ است، و شکل رو بنایی جامعه با تمام شرایط و اوضاع و احوالی که دارد از قبیل: نوع روابط، رژیمها و سازمانها، افکار و آراء و

دیگر مسائل مربوط به رو بنای اجتماعی، در حقیقت بستگی کامل بدین زیر بنا و پایه اصلی دارد که با تغییر پایه، رو بنا هم تغییر می کند و در صورت بقا و حفظ زیر بنا، رو بنا نیز ثابت و باقی خواهد ماند سخن صحیح و درستی گفته شده است.

رابطه میان محتوای درونی انسان و رو بنای اجتماعی و تاریخی یک رابطه تبعیت و ارتباط سبب با مسبب است و درباره این رابطه که نمایانگر یک سنت و قانون تاریخی است ذیل آیه شریفه «ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم...»³ (خداوند وضع جامعه‌ای را تغییر نمی دهد تا آنگاه که در درون خود دگرگونی پدید آورند) سخن خواهیم گفت. و آن این که محتوای درونی انسانی، پایه و اساس روبنای اجتماعی و حرکت تاریخی است. چون آیه شریفه سخن از دو تغییر به میان می کشد: یکی دگرگونی در اوضاع و احوال ظاهری و برونی و روبنایی جامعه و دیگری تغییر در افکار و اندیشه‌ها و امور درونی افراد آن جامعه لذا تغییر اول وابسته است به تغییر دگرگونی دوم است. یعنی دگرگونی در ظواهر اجتماعی و امور روبنایی جامعه جز در پرتوی دگرگونی و تحول روحی و فکری افراد، ممکن نیست. پس تغییر بنیادی عبارت است از تغییر روحيات یک جامعه و دگرگونی تبعی و ظاهری عبارت از تغییر در اوضاع و احوال عمومی و روبنایی آن جامعه (از نظر تاریخی، اجتماعی). روشن است که منظور از دگرگونی روحی و درونی، تغییر در روحيات و افکار یک جامعه است؛ به گونه‌ای که محتوای درونی جامعه - به عنوان یک جامعه و یک امت تغییر یابد و گرنه تغییر حال یک نفر، دو نفر یا سه نفر نمی تواند پایه و اساس دگرگونی جامعه شود. دگرگونی اوضاع و احوال اجتماعی، تابع دگرگونی امور درونی و نفسانی آن، بعنوان یک قوم و ملت است. بنابراین محتوای روانی و درونی جامعه - بعنوان جامعه (نه این یا آن فرد) است که اساس و پایه تمام دگرگونی‌های روبنایی مربوط به حرکت تاریخ به حساب می آید.

دین اسلام و قرآن کریم این چنین به آن اشاره شده که هر دو کار باید در کنار هم و بموازات یکدیگر صورت گیرد. چه کار درون‌سازی و بنای روحيات، افکار، اراده‌ها، آمال و آرزوها و به عبارت دیگر این سازندگی درونی باید دوش بدوش و پهلو به پهلو برون‌سازی و سازندگی روبنایی انجام پذیرد و نمی‌توان روبنا را از زیر بنا جدا انگاشت. مگر اینکه بخواهیم ساختمانی سست و لرزان بنا سازیم. بدین سبب است که اسلام کار درون‌سازی و تغییر در محتوای روحی و فکری را اگر در راستای صحیح و شایسته‌ای باشد «جهاد اکبر» و کار برون‌سازی و تغییر روبنایی را بازمه‌اگر در جهت درست و شایسته‌ای عملی شود «جهاد اصغر»^۴ می‌نامند و این دو جهاد را به یکدیگر پیوند داده و چنین عنوان کرد که اگر جهاد اصغر از جهاد اکبر جدا شود، معنای و محتوای خود را از دست می‌دهد. و از عهده هیچ دگرگونی حقیقی در صحنه تاریخ و اجتماع، نمی‌تواند برآید.^۵

اساس محتوای درونی انسان

تا اینجا گفتیم که اساس پویایی و حرکت تاریخ را همان محتوای درونی انسان تشکیل می‌دهد و همین محتوای درونی است که حکم پایه و قاعده را دارد. ولی:

- اساس و پایه خود این محتوای درونی چیست؟
- نقطه آغاز سازندگی این محتوای درونی کجاست؟
- محوری که کار سازندگی محتوای درونی انسان پیرامون آن می‌گردد کدام است؟

1- اشاره است به این حدیث از امیرالمومنین (ع) که فرموده است: رسول خدا (ص) گروهانی را اعزام کرد و در هنگام بازگشت آنان فرمود: درود بر گروهی که جهاد اصغر را گذاراندند و جهاد اکبرشان باقی است. پرسیده شد که ای رسول خدا جهاد اکبر چیست؟ پاسخ فرمود: جهاد با نفس حضرت امیرالمومنین (درجای دیگری) می‌فرماید: (برترین جهاد، جهاد کسی است که با نفس میان دو پهلو خود جهاد کند. (ر.ک: وسائل الشریعه الی تحصیل مسائل الشریعت 124/11 اثر حر عاملی. ناشر دار احیاء التراث العربی بیروت.

5- صدر، محمد باقر، سنت‌های تاریخ و فلسفه اجتماعی در مکتب قرآن، ترجمه حسین منوچهری، نشر فرهنگی رجاء، 1369، ص 180

محور و مداری که قطب عملیات سازندگی درونی انسان را تشکیل می دهد عبارت از الگو یا نمونه برتر است که محتوای درونی انسان، مجسم کننده آرمان‌هایی است که تاریخ را به حرکت و پویا می دارند و چه، وجودهای ذهنی آمیخته از اراده و اندیشه را ارائه می دهند. بعلاوه، همین آرمان‌های پویا کننده تاریخ را نیز الگوها و نمونه‌های برتر تعیین می کنند. زیرا همه آن آرمانها از یک دیدگاه اصلی نسبت به نمونه برتر برای زندگی انسان و برای زندگی کل بشریت سرچشمه می گیرد و همین الگو یا نمونه برتر است که آرمانها و اهداف کلی و تفصیلی را تعیین می کند و این یا آن هدف جزئی و مقطعی نیز از او می جوشد و بر می آید.

الگو یا نمونه برتری که انسان به او اعتقاد پیدا می کند، عامل شکل دهنده محتوای درونی انسان است. چنین الگو یا نمونه برتر می تواند نقش قاطعی در برابر تمام عوامل و مشکلات که سر راه این محتوای قرار می گیرد ایفا کند اعم از عوامل اقتصادی، اجتماعی و غیره درست بر عکس این مطلب که مارکسیسم و دیگر مکاتب فلسفی مطرح و سعی می کنند که ایمان و اعتقاد را معلول آن عوامل معرفی کنند و محتوای درونی انسان را زائیده آن جریانات عنوان کنند. این گونه تئوری‌های فلسفی که چنین گرایشی را در تجربه و تحلیل چگونگی ایدئولوژی اتخاذ کرده‌اند نتوانسته‌اند به طور مشخص از یک سلسله انتقادات کوبنده جان سالم به در برند ولی تفسیر بالا، تنها طرز تفکری است که تمامی اشکالات موجود را تفسیر و توضیح داده تا از نوع ایدئولوژی یا رفتار تبعیت کند و بهترین تفسیر و تجزیه و تحلیل را پیرامون کیفیت ارزشی که حرکت تاریخ اتخاذ می کند عرضه کند. بنابراین، الگو یا نمونه برتر نقطه شروع سازندگی درونی جامعه بشری به شمار می آید و این الگو و نمونه برتر در حقیقت به دیدگاه کلی نسبت به زندگی و طبیعت وابسته است. در هر جامعه‌ای برپایه نقطه نظر کلی آن جامعه نسبت به زندگی و هستی، تعیین و ترسیم می شود. یعنی جامعه در پرتو این دیدگاه و براساس این نقطه نظر، الگو و نمونه برتر خود را می سازد.

قرآن کریم و منطق دین، در پاره‌ای مواقع به الگو یا نمونه برتر نام «اله» اطلاق می کند و اطلاق این عنوان به نمونه برتر به اعتبار آن است که رهبر، فرمانده، راهنما و مطاع است. اینها صفاتی است که قرآن خاص

«اله» می داند و بدین سبب از هر کس که نمونه برتر باشد و از هر چیز که جایگاه نمونه برتر را اشغال کند، با واژه «اله» تعبیر می کند حتی در کلام خداوند متعال آمده است که: «أَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ» آیا دیدی آن کس را که خدای خود را هوای خود گرفته بود. قرآن در اینجا حتی از «هوی» و خواهش های نفسانی تعبیر به «اله» کرده است و این به هنگامی است که هوی و هوس و خواهش نفس به طور ساختگی سیر صعودی می گیرد و نمونه برتر و آرمان نهائی این یا آن فرد می شود. پس بر حسب بیان قرآن و به تعبیر دین، الگوها و نمونه های برتر در حقیقت «اله» یا خدایان هستند. چرا که آنها پرستش می شوند، آنها فرمان می دهند، آنها باز می دارند و محرک حقیقی و واقعی، آنها هستند و از این رو همان ها هم براساس مفاهیم دینی و اجتماعی «اله» به حساب می آیند.⁶

تاریخ بشری به واسطه آرمانها و اهداف بشری شکل می گیرد و این آرمانها و اهداف براساس الگویی پی ریزی می شود و براساس آن الگو رشد و نمو می کند و در هر فعلی هم که نظر می کنیم و در هر جامعه ای الگو و نمونه برتری برای خود اتخاذ کرده و هر الگویی هم راه و روشی در پیش می گیرد.

چیستی الگو

در زبان های اروپایی، الگو pattern، مدل Modle و فرم form برای چگونگی ساختن چیزهایی مثل لباس یا خانه و نیز روش های رفتاری بکار می رود که نمایانگر هنجارها و قاعده های حاکم بر رفتار در یک فرهنگ خاص هستند. قواعدی که به رفتار مردم نظم می بخشند.

الگوها را می توان به الگوهای کارکردی، مثل آداب، رسوم، رفتار و بنای خانه و به الگوهای منطقی مثل دانش ها، روش ها، ارزش ها، دین ها و هنرها تقسیم کرد. از ترکیب الگوهای کارکردی و منطقی الگوهای فرهنگی به وجود می آید. این الگوها به رفتار انسان ثبات، معنی و جهت می بخشند و هر گروه و ملتی را از گروه و ملت دیگر جدا می سازند. الگوها، دارای مرتبه های گوناگون هستند. نخستین مرتبه الگوها،

الگوهای فردی‌اند. پس از آن به ترتیب الگوهای رفتاری، قومی، ملی و دینی قرار دارند و بالاترین مرتبه آن، الگوهای جهانی است.

کار اصلی جامعه‌شناس، انسان‌شناس و دین‌شناس الگوسازی و قاعده‌مند کردن رفتار مردم جامعه است. الگوسازی از مطالعه در میدان تحقیق و ویژگی‌های یک فرهنگ شکل می‌گیرد. در الگو برای ارائه راه حل عینی، سه مرحله را پشت سر می‌گذارد: مسأله، برخورد و راه‌حل.^۷

اسوه یا الگو

ما برای بازسازی انسان یا جامعه و تبدیل آن به انسان ایده‌آل و جامعه فاضله، به الگو نیاز داریم. چون الگوی انسانی و اجتماعی، انسان و جامعه را تعریف‌پذیر می‌کند. مشاهده الگوهاست که معیارها را در اختیار ما قرار داده و پیوستگی تاریخی فرهنگی ما را امکان‌پذیر می‌کند. در غیر این صورت، انسان، کورمال، کورمال پیش خواهد رفت و از چگونگی‌های روزمره زندگی، اثر خواهد پذیرفت. انسان با الگوپذیری خود، از حالت ناتوانی، تهی شدن از معنی، ناهنجاری و انزوا رها می‌شود و موفقیت خود را در شرایط زمانی که در آن زندگی می‌کند، می‌فهمد. یک الگوی انسانی، نه تنها روش‌های برآوردن ساده نیازمندیها از معیشت فردی و اجتماعی تا بهداشت و درمان، بلکه چگونگی به حقیقت پیوستن عینی و ملموس استعدادهای نهفته را می‌تواند نشان دهد. بنابراین الگو ابعاد نظر و عمل انسان را تعریف و جرح و تعدیل می‌کند و ویژگی اسوه‌های قرآنی در زبان قرآن، الگو، همان اسوه (مثال، مقتدی، نمونه و سرمشق) است و به حسنه و سیئه تقسیم می‌شود. ملاک اسوه حسنه علم و حق‌گرایی است.

نقش و اهمیت الگو

چرا باید در زندگی از الگو و سرمشق بهره بگیریم؟

7- جلالی، غلام رضا، مجله حوزه، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، شماره ششم، سال 23، بهمن و اسفند 1385

از زاویه‌هایی چند، انسان در پی شناخت الگو و پیروی از آن برمی‌آید:

1. الگو خواهی نیاز سرشت بشری:

انسان به گونه‌ای کمال‌جو و برتری‌خواه است و الگو هموار کننده این برتری‌خواهی است. الگوپذیری انسان تا به جایی است که بدون الگو راه به نیکبختی نمی‌برد. و اگر این نیاز سرشتی بشر نبود، خداوند در پی برطرف کردن آن مانند دیگر نیازهای او بر نمی‌آید و پیامبر را بعنوان الگو نمی‌شناساند.

2. پرکننده خلع‌ها:

الگوها پرکننده خلع‌ها در زندگی بشریتند و انسان‌ها در زندگی خود موجودهای آسیب‌پذیری‌اند و به حتم دنبال راهکارهایی برای بازدارندگی از این آسیب‌اند. راه‌های گوناگونی برای ستردن آن هست؛ مانند این که انسان هر راهی را خود تجربه کند، تا به پاسخ دلخواه خود برسد. این شیوه ممکن است در پاره‌ای امور نتیجه‌بخش باشد، ولی با پذیرش زیان‌های احتمالی فراوان، ولی درباره امور اخلاقی و رفتاری، بیگمان، راهکار مناسبی نخواهد بود.

راه دیگر این است که به دیگران اعتماد کند و تجربه‌های آنان را به کار بندد. حال باید دید به چه کسی می‌توان اعتماد کرد؟ بدون شک کسی که خود دارای عیب‌ها و کاستی‌های بی‌شماری است، نمی‌تواند درخور اعتماد برای دیگران باشد. بنابراین، باید به کسی اعتماد کرد که بتواند این تهی‌گاه و جای خالی را پر کند. پس الگوها این نقش را بر عهده دارند، یعنی پرکننده جاهای خالی در زندگی بشری هستند.

3. آرامش بخشی:

الگو به انسان آرامش می‌دهد کسی که بخواهد در پهنه اقتصادی پیروزمند باشد، راه‌های گوناگونی فراروی خود دارد، ولی بهترین و آسوده‌ترین راه این است که پیروی کند از کس یا کسانی که در این زمینه اندوخته‌های خوبی داشته‌اند. که در اصطلاح بازار از آن به شاگردی یاد می‌شود.

4: بازدارندگی:

الگوی خوب از رفتن به سوی الگوهای بد باز می‌دارد در نگاه انسان الگوها کسانی‌اند که دارای برجستگی‌هایی هستند و برتری‌هایی دارند که شایسته‌آیند. چنانچه یک رفتار که از زاویه‌های گوناگون پسندیده باشد، به عنوان الگوی خوب ارائه شود، خود بازدارند از کشش دیگران به سوی الگوهای ناپسند می‌شود.

ویژگیهای الگو

رفتاری که از شخص یا گروهی سر می‌زند، باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد، تا به عنوان الگو برای دیگران قرار بگیرد؟

1. کارهایی الگو می‌شود که پایداری داشته باشد. یعنی شخص یا گروه، آن کارها را بارها انجام داده و هیچ‌گاه برخلاف آن عمل نکرده باشد. فردی را که چند بار امانتدار بوده اگر در مواردی خیانت کرده باشد، به عنوان الگوی امانتدار شناخته نمی‌شود.

2. کارهایی الگو می‌شود که در دیگران اثر بگذارد، به طوری که دیگران او را به عنوان الگو بدانند و رفتارشان ناشی از رفتار او باشد.

3. کارهایی الگو می‌شود که بالاتر و برتر از رفتار دیگران باشد؛ یعنی آن رفتار در بین افراد جامعه شاخص باشد.

4. کارهایی الگو می‌شود که در گستره توانایی‌های بشر باشد. همه و یا بیشتر افراد توانایی انجام آن را داشته باشند. رفتارهای بیرون از توانایی بشر، همچون معجزات نمی‌تواند الگو باشد.

الگو یا نمونه برتر از نظر شهید صدر

می‌توان الگو یا نمونه برتر را با توجه به نظرات شهید صدر به سه گروه تقسیم کرد.

گروه اول - سمبل‌های تکراری و الگوهای یکنواخت:

این الگو منشاء تصور آن، واقعیت‌ها موجود است این الگو حال را می‌گیرد برای اینکه آینده را به تصویر بکشد و از همان اوضاع و احوال جاری بر مردم سعی می‌کند که به جامعه‌آنگونه که می‌خواهد شکل بدهد این الگو، یکنواخت و تکراری است و حرکت تاریخ هم در سایه چنین الگویی تکراری و یکنواخت خواهد بود. چنین الگویی، زمان حال را در بر می‌گیرد برای اینکه آینده، همان باشد و گفتیم که این نوع الگوسازی، بنابر ترسیم و تبیین قرآن کریم، معلول دو عامل است: یکی عامل روانی که عبارتست از عادت کردن و خو گرفتن و ترس از آینده و دیگری عامل خارجی که عبارتست از سلطه فرعون‌ها و طاغوت‌ها در طول تاریخ که خواهان عدم تغییر وضعیت موجود هستند تا سلطه آنان باقی بماند.^۸

گروه دوم - سمبل‌های کوتاه نگر:

این الگو عبارت است از سمبلی که برخاسته از بلند پروازی و آرمان‌گرایی جامعه و آینده‌نگری باشد. این سمبل، دیگر یک سمبل تکراری و بازتاب از واقعیت موجود نیست بلکه یک آینده‌نگری و یک تحریک و سوق دادن به سوی یک تحول و نوآوری و دگرگونی است ولی تنها در حد یک گام و یک مرحله نسبت به جلو و آینده و به عبارت دیگر فقط از یک بخش مربوط به راه دور و دراز از آینده منشعب و منتزع شده است و معنای آن این امر است که آن بلند پروازی و آرمان‌گرایی که منشاء ایجاد سمبل در جامعه است در سطحی محدود و مقید بوده و قادر به پیمودن مسافتی طولانی نیست و فقط توانسته است نمایی اندک و محدود از آینده را نشان دهد. و سمبل والای جامعه از همین نمای محدود آینده برخوردار شده است.^۹

گروه سوم - خداوند متعال، سمبل حقیقی و بی‌نهایت:

8 - سنت‌های تاریخ و فلسفه اجتماعی در مکتب قرآن، پیشین، ص 188

9- همان ص 204

این الگو عبارت است از سمبل والای حقیقی که خداوند تبارک و تعالی است. زیرا این سمبل دیگر فرآیند اندیشه انسان و و جدا شده از ذهنیت متعلق به انسان نیست بلکه یک سمبل عینی و دارای واقعیت مشخص است، موجودی است مطلق با وجود واقعی و خارجی، دارای قدرت مطلق، علم و عدالت نامحدود.

در بررسی سمبل‌های والای مربوط به دین توحید، پیامبران را ملاحظه می‌کنیم که در طول تاریخ این سمبل جدا از انسان و مقام بالاتر از انسان بوده است نه یک انشعاب از وجود بشر و یک فرآورده انسانی بدین جهت که انسان بر طبق شرایط و مقررات موجود در این زمینه، احساس مسئولیت و واقع می‌رسد و این امر به وضوح در لابلای حرکت پیامبران جلوه‌گر و هویدا است.^{۱۰} که از این سه قسم شهید صدر قسم سوم را می‌پذیرد.

الگو بودن پیامبر ﷺ

نبی اکرم ﷺ از آن جهت که انسان است، همچون دیگران، در قبیله‌ای خاص و در میان قومی خاص و با فرهنگی خاص، زاده، تربیت و بزرگ شده است. بدین جهت او به عربی سخن می‌گوید، با هم - سن و سال‌های خود دوست می‌شود و با آنان به بازی می‌پردازد، با زنی از همان نژاد، ازدواج می‌کند، به فرزندان خود علاقمند است، فرزندش که درمی‌گذرد اندوهگین می‌شود و اشک می‌ریزد، چند روزی که از دخترش دور می‌شود احساس دلتنگی می‌کند، به هر بهانه‌ای سری به منزل دخترش می‌زند.

پیامبر، به عنوان یک انسان با ویژگیها و خصلت‌های انسانی، دارای ظهورها و بروزها و جلوه‌هایی خواهد بود. او دوره خردسالی، جوانی و میان‌سالی را پشت سر گذاشته است و از مرکب‌های موجود روزگار خود یکی را برمی‌گزیند و از آن برای جابجایی استفاده می‌کند. او نیاز خود به سرپناه را با ساختن خانه، برمی‌آورد. او از چیزهایی خوشش می‌آید و به آنها علاقمند است و از چیزهایی بدش می‌آید و

نسبت به آنها نفرت و انزجار دارد. در این موارد او نیز تابع سنت‌های موجود در همان محیط است. این امور توسط پیامبر از آن جهت انجام می‌گیرد که او همانند دیگران و انسان است. قرآن از زبان او روایت می‌کند: «انما انا بشر مثلکم» نسبت به فرهنگ و آداب مردم پیرامون خود، توجه دارد، زیرا در چنین فرهنگی چشم گشوده و در چنین بستری رشد یافته است؛ پس بدان تعلق خاطر دارد.

فرد یا گروهی که رفتارشان الگوی دیگران است، در چه زمینه و یا زمینه‌هایی الگو خواهند بود؟

1. چه بسا الگو بودن کوتاه زمان باشد؛ و در یک بازه زمانی و در جایی رفتاری، الگو برای دیگران باشد و بعد هم الگو بودن خود را از دست بدهد.

2. چه بسا الگو موردی باشد؛ بدین معنی که فقط در یک رفتار و عملکرد خاصی، فرد یا گروهی الگو واقع شوند. مثلاً فردی در میان ویژگی‌های اخلاقی، در راستگویی و امانتداری الگو باشد، ولی در ویژگی‌های دیگر، مثل خوشرویی و مهربانی و ... الگو نباشد.

3. چه بسا فرد و یا رفتاری در طبقه و گروه خاصی الگو باشد؛ و نتواند فراگیر باشد.

4. چه بسا رفتار فرد یا خود او، در همه زمینه‌ها و در همه زمان‌ها الگو باشد. خود فرد و یا رفتارهای او، به گونه‌ای است که می‌تواند فراگیر باشد.

می‌دانیم که گزینش فرستادگان خدا از میان انسانها از آن روست که بتوانند سرمشق برای امتها باشند؛ چرا که مهمترین و موثرترین بخش تبلیغ و فراخوان پیامبران، دعوت‌های عملی آنهاست، آنها «اسوه ناس» و یا «قدوه خلق» هستند. میزان اثرگذاری الگوهای عملی بر روحیه، کردار و رفتار مردم، برای همگان روشن است. چون با دیدن رفتار و دست‌آوردهای مثبت و عینی آن در زندگی فردی و اجتماعی، انگیزه و کشش برای پیروزی از آن الگو در افراد گسترش می‌یابد و کوشش خواهند کرد که برای بهره‌مندی از آن، خود را پای‌بند به پیروی از آن الگوها نمایند و از سوی دیگر، هر چه سن کمتر باشد، بیشتر از الگوها اثر می‌پذیرند. پس انتخاب الگو شایسته برای خود و فرزندان مهم است؛ البته این بدان معنی نیست که الگوپذیری و الگو

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

خواهی فقط در سنین پایین و تنها در دوران کودکی مورد نیاز باشد، بلکه این نیاز در هر سنی مورد نیاز است، و حتی افراد سالخورده برای بهتر سپری کردن دوره کهولت خود، بیشتر به الگو و سرمشق نیاز دارند. لذا می توان اینگونه بگوئیم که پیامبر اکرم ﷺ برای تمامی افراد جامعه می تواند الگو باشد.:

1. دوران نوجوانی و جوانی پیامبر ﷺ می تواند بهترین الگو برای جوانان باشد.
 2. شیوه تعامل آن بزرگوار با خانواده، الگویی برای پدران و مادران و همسران می تواند باشد.
 3. برخورد ایشان با اقوام، بستگان، همسایگان، هموطنان، هم‌زبانان، هم‌کیشان و دیگر افراد جامعه نیز الگوی نیکویی می تواند برای دیگران باشد.
 4. رفتار پیامبر ﷺ به عنوان رهبر حکومت اسلامی و چگونگی تعامل ایشان با دشمنان نیز می تواند راهگشا و راهنمای سیاستمداران در جهان اسلام باشد.
 5. همچنین منش شخصی و اخلاقی آن حضرت، همچون آراستگی، روش غذا خوردن، شیوه آشامیدن، پوشش، نیک خلقی، راستی، نرمی و مهربانی، گذشت و دیگر ویژگیهای برجسته ایشان بهترین و زیباترین نمونه عملی برای همه افراد در زندگی می باشد.
- همانگونه که خداوند متعال پیامبر اکرم ﷺ را به عنوان بهترین الگو و سرمشق به جامعه معرفی نموده: «لقد کان لکم فی رسول الله اسوه الحسنه...» ما نیز باید در همه رفتارهای خود از پیامبر اکرم ﷺ پیروی کنیم و ایشان را سرمشق خویش قرار دهیم.
- امیرمؤمنان علیه السلام پیامبر اسلام را الگوی شایسته پیروی می شناساند. الگوپذیری از ایشان را برای همگان کافی می داند، چنان که می فرماید:

«روش پیامبر خدا برای الگو بودن تو پسندیده است و پیامبر در نکوهش دنیا و کاستی‌های آن و رسوایی‌ها و بدی‌های فراوان آن راهنمای تو می باشد. پس، به پیامبر پاک و پاکیزه چنگ بینداز که راه و رسم او الگویی برای همه الگوخواهان و مایه بزرگی است برای کسی که خواهان بزرگواری



کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام می باشد

باشد و دوست‌ترین بنده نزد خدا کسی است که از پیامبرش پیروی کند و گام بر جای پای او

نهد.»



کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام می باشد

گفتار دوم: مفاهیم مربوط به نظریه الموند و وربا

فرهنگ

فرهنگ از جمله مفاهیم وسیع و گسترده‌ای است که تعاریف متفاوتی از آن توسط صاحب‌نظران ارائه گردیده است. گرویر و کلاکمای در نوشته خود به 160 تعریف از فرهنگ اشاره کرده‌اند. برخی فرهنگ را مترادف تمدن فرض کرده‌اند و برخی دیگر فرهنگ را فراتر از تمدن و متمایز با آن در نظر گرفته‌اند.^{۱۱} واژه فرهنگ در زبان پهلوی (فارسی میانه) از دو جزء «فر» و «هنگ» تشکیل شده است. فر یا فره، نمود بارقه الهی است که بر دل انسان تجلی می‌کند و مایه کمال و تعالی نقش می‌گردد.^{۱۲} فرهنگ در لغت‌نامه عمید نیز به معنی علم، دانش، ادب، معرفت، تعلیم و تربیت، فرهیختن و همچنین آثار علمی و ادبی یک قوم و ملت آمده است.^{۱۳} و فرهنگ در کتاب پدیده جهانی شدن به معنی علم، دانش، ادب، معرفت، تعلیم و تربیت و همچنین آثار علمی و ادبی یک قوم یا ملت است.^{۱۴} و فرهنگ در کتاب دهخدا اینگونه آمده است که واژه ترکیبی است که مرکب از دو جزء «فر» به معنای نیروی معنوی، شکوه، عظمت، درخشندگی، جلال و «هنگ» از ریشه (chang) اوستایی به معنای کشیدن است. معانی دانش، ادب، علم، معرفت و تربیت از آن اتخاذ شده است.^{۱۵} و همین‌طور در تعریف توصیفی فرانتس بوآس آمده است «فرهنگ دربرگیرنده تمامی نمودهای عادات اجتماعی یک جامعه، واکنش‌های فرد تحت تأثیر عادات گروهی بودند که در آن زندگی می‌کنند و محصولات فعالیت انسان در چارچوب این عادات است.^{۱۶} و کلاید کلاکمون در تعریفی از واژه فرهنگ، معنایی انتزاعی مطرح می‌نماید:

- 1- صیادی، ابولقاسم، انقلاب اسلامی و چالش‌های جهانی شدن فرهنگ، نیکان کتاب، بهار 84، چاپ اول
- 2- کاظمی، سید علی‌اصغر، بحران نوگرایی و فرهنگ سیاسی در ایران معاصر، تهران، قومس، 1376
- 3- عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، تهران، امیرکبیر، 1376
- 4- رجائی، فرهنگ، پدیده جهانی شدن وضعیت بشری و تمدن اطلاعاتی، ترجمه حسین آذرنگ، تهران، آگاه، چاپ اول 1379
- 5- دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، ذیل واژه فرهنگ، ارزشمند، 1344، ص 227
- 6- چیلکوت، رونالد، نظریه‌های سیاسی است‌مفای‌سه‌ای، ترجمه وحید بزرگی، علی‌رضا طبیب، تهران، موسسه خدمات فرهنگی رسا، 1377، ص

فرهنگ، تشکیل یافته از الگویی صریح و ضمنی رفتارهای حال و آینده است که در قالب نمادها کسب می شود و انتقال می یابد. نمادها همان دستاوردهای مشخص گروه های انسانی است که از جمله تجسمات آنها در قالب مصنوعات هستند. هسته اصلی فرهنگ را اندیشه های سنتی « یعنی اندیشه های منتج و برگزیده در طول تاریخ» به ویژه ارزش های نسبت داده شده به آن اندیشه های تشکیل می دهد نظام های فرهنگی را می توان از یک سو محصول کنش انسانها و از سوی دیگر همچون نفوذ مشروط کننده بعدی به شمار آورد.^{۱۷}

در سال 1871 ای بی تیلور (E.B.taylor) مفهوم فرهنگ را وارد رشته انسان شناسی کرد و چنین تعریفی را از آن ارائه نمود. «همان کل پیچیده ای که شامل معلومات، باورها، هنر، اخلاقیات، قانون، عرف و تمامی دیگر انواع قابلیت ها و عاداتی است که انسان به عنوان عضو جامعه کسب می کند».^{۱۸} و در اروپا این واژه تا نیمه قرن هیجدهم اصطلاح امروزی فرهنگ (Culture) متداول نبود و غالباً این واژه در کنار کلمه تمدن (civil-ization) به کار می رفت.^{۱۹}

و آقای سید علی نقوی در کتاب خود فرهنگ را به دو قسم مادی و معنوی تقسیم می کند.

فرهنگ مادی

مراد از تمام چیزهایی است که دارای وجود خاص بوده و قابل لمس است مانند ساختمان، ابزار و آلات، مجسمه، تابلوهای نقاشی و به طور کلی تمام دستاوردهای تکنولوژیک، صنعت و فرآورده های صنعتی و نیز مجموع نهادها و وسائلی که نسل های پیشین برای آیندگان به جا می گذارند و تمام دستاوردهای مادی بشر از قبیل صنایع، سدها و شبکه های توزیع برق، بناهای تاریخی، تکنیک های

16 337

چیلمکوت، پیشین، ص 337 17 -

8- بدیع برتران، فرهنگ و سیاست، ترجمه احمد نقی بزازده، تهران، نشر دادگستر، 1376، ص 38

9- چیلمکوت، پیشین، ص 336

شهرسازی و ابزارهای کشاورزی که به وسیله نسل‌های متمدنی ساخته شده و از نسلی به نسل دیگر انتقال یافته و هر نسلی چیزی به آن افزوده است فرهنگ مادی جامعه را تشکیل می‌دهد.

فرهنگ معنوی

یا فرهنگ غیر مادی نیز به مجموع رسوم و عقاید، علوم و معارف، ارزش‌ها، فلسفه، حقوق، اندیشه‌ها و مسلک‌ها و سایر مفاهیم انتزاعی اطلاق می‌گردد که غالباً از طریق خط و زبان منتقل می‌شود.^{۲۰}

دین بخشی از فرهنگ جامعه است که درباره موضوعات، نهادها و مشروعیت سیاسی و نیز اندیشه‌های قابل توجهی را دربر دارد. بنابراین برای جستجوی نگرش‌ها و رویکردها مردم یک جامعه به سیاست، دین آن جامعه و همچنین تفسیرهای مختلف آن دین اهمیت زیادی دارد. در دوره‌های معاصر ایدئولوژی سیاسی نیز از منابع فرهنگ سیاسی هستند و ایدئولوژی‌ها درباره موضوعات سیاسی نظر روشن‌تری را در بردارند.^{۲۱}

جمع بندی بحث فرهنگ:

- از تعریف‌های یاد شده می‌توان اینگونه نتیجه‌گیری نمائیم که:
- فرهنگ امری ذاتی نبوده بلکه اکتسابی و آموختنی و همچنین قابل انتقال می‌باشد.
 - فرهنگ امری اشتراکی و محصول تعامل انسان‌هاست، که در هر جامعه بستگی مستقیم به ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی آن جامعه دارد.
 - بین جنبه‌های مادی و معنوی فرهنگ کنش‌های متقابل وجود دارد.
 - همچنین فرهنگ دائماً در حال تغییر و تحول است و خصلت پویایی و تحرک دارد.

1- نقوی، سیدعلی محمد، جامعه شناس، تهران، نشرایران، 1376

2 - لکزایی، نجف، سیره پیامبر اعظم(ص) در گذر از جامعه جاهلی به جامعه اسلامی، قم، مؤسسه بوستان کتاب، 1385 ص 27 تا ص 30

- فرهنگ دارای عناصر و اجزایی است که به صورت مجموعه‌ای به هم پیوسته و به مثابه یک سیستم

می‌باشد.

فرهنگ سیاسی و توسعه سیاسی

در مورد تعریف مفهوم فرهنگ سیاسی و همچنین درباره نقش فرهنگ در فرآیند سیاسی بحث‌های زیادی شده است. «فرهنگ سیاسی» در درجه اول عبارت از یک رهیافت و یک چارچوب نظری برای مطالعه در برخی مسایل سیاسی، به ویژه در سیاست تطبیقی است. کسانی که این مفهوم را پیش کشیدند معتقد بودند که از آن همچون یک دستگاه مفهومی میتوان برای بررسی یکی از صورت‌های زندگی سیاسی که همان صورت فرهنگی است استفاده کرد. آنها معتقدند بودند که برخی از علل و عوامل توسعه‌یافتگی و توسعه نیافتگی سیاسی را می‌توان با استفاده از مطالعات مربوط به فرهنگ سیاسی توضیح داد. به همین صورت می‌توان ریشه عملکرد نهادهای سیاسی را در فرهنگ سیاسی پیدا کرد.

مفهوم فرهنگ سیاسی بر این فرضیه استوار شده است که:

- 1- در هر جامعه یک فرهنگ سیاسی معین است که به فرآیندهای سیاسی معنا و جهت می‌دهد.
- 2- رفتار سیاسی در یک جامعه از یک سلسله باورها، احساس‌ها و شناخت‌ها ریشه می‌گیرد که فرهنگ سیاسی را تشکیل می‌دهد.
- 3- این باورها، احساس‌ها و شناخت‌ها بر اساس الگوی خاصی تحول پیدا می‌کند و دگرگونی آنها اتفاقی نیست.
- 4- افراد جامعه و اعضای سیاسی این باورها، احساس‌ها، ارزش‌ها و هنجارها را درونی می‌کنند و اینها به صورت جزئی از شخصیت آنها و سرچشمه رفتار آنها درمی‌آید.

چنان که سیدنی و ربا می گوید: فرهنگ سیاسی عبارت است از نظام باورها، ارزش‌ها و سمبل‌هایی که

سرچشمه و زمینه عمل سیاسی است.^{۲۲}

1- سیرنگیو، رال، مقابله و نمونه‌خوانی خسرو سلجوقی، کتاب فرهنگ سیاسی و توسعه سیاسی (مطالعه تطبیقی کره و ایران)، انتشارات خانه سبز، مرداد 1381

پیدایش مفهوم فرهنگ سیاسی

فرهنگ سیاسی در اصل به عنوان یک چارچوب تئوریک در مطالعات سیاست تطبیقی مطرح شد. در

مطالعات سیاست تطبیقی چهار گرایش مهم وجود دارد:

1- تحلیل طبقاتی.

2- تحلیل سیستمی.

3- تحلیل بر مبنای مراحل رشد.

4- تحلیل بر مبنای فرهنگ.

تئوری فرهنگ سیاسی از مطالعات مربوط به فرهنگ به معنای عام ریشه گرفته است. کارل مارکس نخستین بار به رابطه فرهنگ و سیاست اشاره کرد. او، به طوری که معروف است، فرهنگ را بخشی از روبنای ایدئولوژیک و آگاهی کاذب به حساب می آورد و فرهنگ را برحسب وابستگی آن به زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه توضیح می‌داد. اما نظریه مارکس وبر درست در نقطه مقابل نظرایشان است او زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را برحسب فرهنگ، که از گرایشات عقلایی و منافع شخصی فرد شکل می‌گیرد، توضیح می‌داد و فرهنگ را به عنوان مبناء‌وزیر بناء توضیح می‌دهد.

بعضی از جامعه‌شناسان فرهنگ را در بردارنده تمام عاداتهای اجتماعی و کنش‌های مبتنی بر این عاداتها تعریف کرده‌اند. هر دسته از پژوهشگران روی جنبه خاصی از فرهنگ تکیه کرده‌اند؛ برخی روی جنبه تاریخی فرهنگ مثل سنت اجتماعی تأکید می‌کنند. بعضی روی جنبه هنجاری فرهنگ، و بعضی دیگر روی جنبه روانشناختی آن، آلفرد کروب و تالکوت پارسونز نیز اظهار می‌نمایند که دو مفهوم فرهنگ و جامعه را باید از هم جدا کرد. تا آن زمان انسان‌شناسان مفهوم فرهنگ را به همان معنایی به کار می‌بردند که جامعه‌شناسان مفهوم جامعه را به کار می‌گرفتند. به این معنی که حیات اجتماعی را از حیات بیولوژیک جدا کنند.

کروبر و پارسونز می‌گفتند که بهتر است فرهنگ را برای ارزش‌ها، ایده‌ها و سمبول‌هایی به کار ببریم که رفتار انسان را تشکیل می‌دهد. پارسونز به فرهنگ توجه زیادی نشان داد و در کتاب «به سوی تئوری عمومی کنش» آن را به صورت یک سیستم یا نظام تعریف کرد. نگرش پارسونز را شاگردان و پیروانش دنبال کردند و بر اساس آن یک سنت مهم در جامعه‌شناسی و علوم سیاسی آمریکا ایجاد شد. همچنین هارولد لاسول رابطه سیستمی فرهنگ و شخصیت را بررسی کرد. مطالعات او بر روی پژوهش‌هایی که روی خصلت ملی و فرهنگ ملی تأکید می‌گذارند تأثیر گذاشت. لوسین پای با بررسی شخصیت و نگرش‌های سیاسی در میان نخبگان برمه به تئوری فرهنگ ملی، حرکت تازه‌ای داد. سیدنی وربا و گابریل-آلموند مفهوم فرهنگ سیاسی را رساتر از مفهوم خصلت ملی می‌دانستند. آنها می‌گفتند که مفهوم فرهنگ سیاسی امکان می‌دهد تا نظم‌های انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی و روانشناسی برای مطالعات درباره رفتار سیاسی فرد بهره گرفته شود.^{۲۳}

مفهوم فرهنگ سیاسی را گابریل آلموند در سال 1956 وارد علم سیاست کرد. آلموند این مفهوم را برای دسته‌بندی نظام‌های سیاسی جهت مطالعات تطبیقی به کار برد. وی همراه با وربا در سال 1963 کتاب «فرهنگ مدنی» را منتشر کرد که در آن مفهوم فرهنگ سیاسی دقت بیشتری می‌یافت. آنها فرهنگ سیاسی را به معنای سمت‌گیری‌ها و گرایش‌های سیاسی افراد در رابطه با نظام سیاسی خود تعریف کردند. آن دو فرهنگ سیاسی جامعه را چنین مفهوم‌بندی می‌کنند: «وقتی از فرهنگ سیاسی یک جامعه گفتگو می‌کنیم، منظور نظام سیاسی به صورتی است که در شناخت، احساس‌ها و ارزیابی‌های مردم درونی شده است. مردم این فرهنگ را درونی می‌کنند، همچنان که نظام اجتماعی و هر نقش دیگری درونی می‌کنند».^{۲۴} کارآلموندرا، گروه دیگری از نویسندگان و پژوهشگران دنبال کردند. یکی از این پژوهشگران لوسین پای بود. پژوهشگر دیگر سیدنی وربا بود. مطالعات فرهنگ سیاسی در نیمه دوم قرن بیستم کم‌کم به سطحی از

همان صفحه 8 23-

همان صفحه 10 24-

گسترده‌گی رسید که به گفته برخی منتقدان یک پارادایم را درست کرد. مطالعه در مسایل سیاسی از زاویه دید فرهنگ سیاسی هنوز هم در میان پژوهشگران رایج است اما رونق پیشین را ندارد.^{۲۵}

تعریف فرهنگ سیاسی از نظر وربا:

در نوشته‌های پژوهشگرانی که به رهیافت فرهنگ سیاسی در مطالعات سیاسی روی آورده‌اند مفهوم فرهنگ سیاسی به معنای واحدی به کار نرفته است. با این حال دسته‌ای از برداشت‌ها که با دیدگاه ارتدکس پیوند دارند که بسیار به هم نزدیک است. سیدنی وربا: فرهنگ سیاسی را چنین تعریف می‌کند «فرهنگ سیاسی عبارت از نظام باورهای تجربه‌پذیر سمبل‌ها و ارزش‌هایی است که پایه کنش سیاسی است». وربا می‌گوید که فرهنگ سیاسی بین تجزیه و تحلیل خرد، یعنی جنبه روان‌شناسی رفتار سیاسی فرد، و تجزیه و تحلیل کلان یعنی جامعه‌شناسی سیاسی پل می‌زند. فرهنگ سیاسی می‌خواهد که تجزیه و تحلیل رفتاری در بررسی مفهوم‌های مهم سیاسی مثل ایدئولوژی سیاسی، حاکمیت، مشروعیت، ملیت و حکومت به کار ببرد. فرهنگ سیاسی از نظر طرفداران این رهیافت یک مفهوم پایه‌ای است که به مفهوم‌هایی مثل ایدئولوژی، خصیصه ملی، روحیه ملی و روان‌شناسی سیاسی نظام دقیق‌تر و علمی‌تری می‌دهد. با پیوند تجزیه و تحلیل در سطح خرد (فرد) و در سطح کلان (جامعه) می‌توان رفتار فرد و ماهیت و حرکت نظام هر دو را یکجا بررسی کرد. در پیدا کردن ریشه‌های فرهنگ سیاسی هم می‌توان تحول تاریخی نظام سیاسی را بررسی کرد و هم تجربه‌های افراد حاضر را.

لوسین پای می‌گوید رفتار سیاسی چنان در قریحه بومی یک ملت ریشه دارد و چنان سنتی را تشکیل می‌دهد که در برابر نیروهای سیاسی و اقتصادی زندگی نوین که همه چیز را با خود همسو می‌کنند به سختی ایستادگی می‌کند. مفهوم‌هایی مثل دولت، قدرت، حاکمیت، دولت‌مرد و غیره مفهوم‌هایی بسیار

انتزاعی هستند و از جایی به جای دیگر و از زمانی تا زمان دیگر بسیار تغییر می کنند. بنابراین، این مفاهیم نمی توانند منش سیاسی یک ملت را به درستی توضیح دهند.

تفاوت میان جوامع از دیرباز امری واضح و مشخص بوده است. تفاوت میان رسوم، زبان، سنت‌ها و برداشت‌ها از مفاهیم و عکس‌العمل به مسایل مختلف اغلب در جوامع مختلف متفاوت و گوناگون است. از دید سیاست داشتن این که چگونه افراد وقایع را تفسیر می کنند، بسیار مهم است. هر کس دیدگاهی در باب جنگ و صلح دارد و یا تعبیر از دولت متفاوت می باشد. بر این اساس شناخت نظر هر فرد در روند تعامل او بسیار مهم و اساسی است. به عبارت دیگر تجزیه و تحلیل فرهنگی همواره مشخص می کند که دیگران چگونه فکر می کنند و نسبت به مسایل اطراف حساسیت نشان می دهد کسانی که به بررسی مسائل سیاسی می پردازند به خوبی آگاهند که فرهنگ از چه اهمیتی برخوردار می باشد و در این میان فرهنگ سیاسی، به عنوان مجموعه باورها، خواست‌ها، ارزش‌ها و ایستادگی‌ها درباره نظام سیاسی، اهمیتی بسیار در بررسی تعاملات قدرت در قالب تفکر انسانی و هنجارهای اجتماعی دارد.

فرهنگ سیاسی اصطلاحی جدید است در باب یک تفکر قدیمی، تصور فرهنگ، سنت، هنجارها و مجموعه‌ای از ارزش‌ها که شکل دهنده اجرای سیاست‌های یک ملت یا گروه‌ها می باشد، به اندازه تحلیل سیاسی قدمت دارد. ارسطو در باب وضعیت فکری که به ثبات سیاسی کمک یا انقلاب را تشویق می کند بحث نموده است.

ادموندبرک، رسوم را ستایش می کند و کار نهادهای سیاسی را مورد تأیید خود قرار می دهد. توکویل و باجیو، جایگاه واضح و روشنی به ارزش‌های سیاسی و احساسات در نظریه خود از ثبات سیاسی و تحول می دهند. انسان‌شناسان و تاریخ‌نویسان تا همین اواخر در باب اهمیت کارکرد شخصیت ملی یا سنت‌ها در شکل دادن رفتار، مطالب زیادی به رشته تحریر درآورده‌اند.

واژه فرهنگ سیاسی اصطلاحی است که بعد از جنگ جهانی دوم در متون تخصصی سیاسی متداول شده است زیرا با توجه به گذر جوامع از مرحله سنتی به مرحله صنعتی، مسأله توسعه سیاسی را مطرح می‌کند. فرهنگ سیاسی نیز بخشی از جامعه‌شناسی توسعه سیاسی است. بطور مسلم و با توجه به معانی فرهنگ سیاسی پرسش از چگونگی عمل یک ملت در برخورد با حکومت پرسش تازه‌ای در نوشته‌های مربوط به علم سیاست و فلسفه سیاسی نیست، لذا هم در منابع اصیل اسلامی، دانشمندان اسلامی از جمله فارابی، خواجه نصیرالدین طوسی، ابن خلدون و در آثار دانشمندان گذشته غربی هم از جمله میکیاول، منتسکیو، روسو، دوتوکویل بحث‌هایی در این مورد را می‌توان یافت.

واژه فرهنگ سیاسی را اولین بار گابریل آلموند در علم سیاست به کار برد، تعبیر «فرهنگ سیاسی» را همچنین می‌توان در نوشته‌های جامعه‌شناختی و مردم‌شناختی کسانی مانند ساموئل بوراندر، آدام اولام، روت‌بندیکیت، مارگات‌مید، آبرام کاردینو، الوانیتون و دیگران که بر روی مفاهیم فرهنگ شخصیت کار نموده‌اند دنبال کرد.^{۲۶}

آلموند در کتاب «فرهنگ مدنی» که با همکاری و ربا به رشته تحریر درآورد، این مفهوم بندی از فرهنگ سیاسی را گسترش داد و از آن برای بررسی و بازپرسش تجربی ایستارهای موجود در پنج کشور جهان بهره گرفتند، آن دو فرهنگ سیاسی را بر حسب جهت‌گیری و ایستارهای سیاسی افراد در قبال نظام سیاسی خویش اینگونه تعریف نمودند:

«وقتی از فرهنگ سیاسی یک جامعه سخن می‌گوییم در واقع به نظام سیاسی به همان وجهی که در قالب شناخته‌ها، احساسات و ارزش‌یابی‌های اعضای آن هم به‌گونه‌ای که در ذهن و روح او جای‌گیر شده است نظر داریم، افراد همانگونه که در نقش‌های غیر سیاسی و نظام اجتماعی جامعه‌پذیر می‌شوند فرهنگ سیاسی را نیز کسب می‌کنند»^{۲۷}

۱- احسانی، احمد - بررسی تطبیقی فرهنگ سیاسی مردم ایران در قبل و بعد انقلاب اسلامی، پای‌ان نامه، دانشگاه باقرالعلوم (ع) ص 15

- چی‌کلوت، رونالد، پیشین ص 345 27

لوسین پای و سیدنی وربا در کتاب فرهنگ سیاسی و توسعه سیاسی، فرهنگهای سیاسی را در کنار هم مورد مطالعه قرار می دهند. مطالعه وربا بر روی مفاهیم هویت ملی، مشارکت، شهروندی، کارایی حکومت و فرآیند تصمیم گیری سیاسی متمرکز است. در مقدمه کتاب «لوسین پای» نیز به مفاهیم و چهارچوب کلی در بحث از فرهنگ سیاسی و چگونگی ارتباط آنها با فرآیندها و مشکلات توسعه سیاسی پرداخته است. لوسین پای فرهنگ سیاسی را در یک چهارچوب مناسب برای آمیختن روان شناسی فردی در جامعه-شناسی جمعی می داند که با آن می توان نظام های سیاسی را طبقه بندی نمود و چگونگی توسعه و تغییر آنها را درک کرد.²⁸

نظر لوسین پای در باب فرهنگ سیاسی از این قرار است: مجموعه امتیازها، اعتقادات و احساساتی است که به روند سیاسی نظم و معنی می دهد و قواعد را تعیین می کند، که رفتار نظام سیاسی را مشخص می کند.²⁹

بیرواولام (Beer – Ulam): فرهنگ سیاسی را این گونه تعریف می نماید «جنبه های خاصی از فرهنگ عمومی جامعه بطور ویژه با چگونگی برخورد با حکومت و اینکه باید چه وظایفی را انجام دهد، ارتباط دارد. این بخش از فرهنگ را می توان فرهنگ سیاسی نامید.»³⁰

ماهیت فرهنگ سیاسی

بطور کلی فرهنگ سیاسی در ابتدا یک عامل ذهنی است که در صورت عملی شدن و به مرحله اجرا درآمدن می توان تبیین نوعی جهان بینی خاصی را صورت دهد. بنابراین، علاوه بر آنچه بطور معمول در سطح جوامع به صورت عملی وجود دارد انبوهی از تئوری ها و نظریه پردازی ها در باب مباحث نظام

28 - محمدی، مجید، جامعه شناسی و اقتصاد و فرهنگ در ایران امروز، تهران، نشر قطره، 1377، ص 337

29 - عالم، عبدالرحمن، بنیادهای علم سیاست، پیشین، ص 113

30 - احسانی، احمد، پیشین ص 13

سیاسی و عملکرد آن وجود دارد که به مرحله عمل نرسیده‌اند اما چارچوب تئوریک تفکر را تشکیل می‌دهند. همانگونه که فرهنگ، نگرش به جهان و نوع رفتار را شکل می‌دهد، فرهنگ سیاسی هم نگرش به جهان سیاست و نظام سیاسی را شکل می‌دهد بطور معمول فرهنگ سیاسی دارای گونه‌های مختلفی است که هر یک جهت‌گیری‌های مختلف را نشان می‌دهند از نظر آلموند و پاول هر فرهنگ سیاسی سه جزء دارد:

جهت‌گیری شناختی، مربوط به دانسته‌ها و باورهای مردم از نظام سیاسی و شناخت آن از مقررات، نقش‌ها، نهادها و داده‌ها.

جهت‌گیری‌های عاطفی، که به احساس مردم نسبت به نظام سیاسی، مقررات، نقش‌ها و داده‌های نظام ارتباط می‌یابد.

جهت‌گیری مبتنی بر ارزشیابی، که شامل قضاوت‌هایی که نسبت به هدف‌های سیاسی می‌شود و از معیارهای ارزشی و شناختی و احساسی تشکیل می‌شود.^{۳۱}

بنابراین فرهنگ سیاسی از کار ویژه‌های مختلفی برخوردار می‌باشد که همین امر ما را به سه سطح دیگر از فرهنگ سیاسی می‌رساند که البته باید متذکر شد که این سه سطح بسیار مشابه، تقسیم‌بندی‌های است که تا کنون عنوان گردیده است. اما به دلیل برخی تفاوت‌های ذکر می‌شود:

تمایلات سیستمی: شامل ایستارهای شهروندان نسبت به سطح نظام سیاسی یعنی فرآیندی نظام و سیاست‌گذاری که مهم‌ترین بحث آن مبنای مشروعیت حکومت است.

تمایلات فرآیندی: بیانگر سمت‌گیری‌های مختلف در تبادل مشارکت سیاسی است.

تمایلات سیاست‌گذاری: شهروندان در کشور برای نتایج سیاست‌های مختلف اهمیت متفاوتی قائل هستند و هر یک نوع ایستار متفاوتی را بر مبنای اندیشه‌های پذیرفته شده خود نسبت به سیاست‌ها دارند،

۳۱- آلموند و دی‌گران، گابریل، سیاست‌های مقایسه‌ای، ترجمه علی‌رضا طبیبی، تهران، مرکز انتشارات آموزش دولتی، ۱۳۷۶، ص ۳۱۷۱

در عین حال تلفیق ارزش‌ها و استراتژیهای آگاهانه و شرایط اجتماعی، موجب ایجاد برداشت‌های کاملاً متفاوتی درباره نحوه دستیابی به نتایج مطلوب اجتماعی می‌شود.³²

اجزای فرهنگ سیاسی

اجزای فرهنگ سیاسی از لحاظ ماهوی عبارتند از:

- 1- اندیشه‌ها، باورها، ایستارهای مردم نسبت به نظام سیاسی
 - 2- عوامل تاریخی، جغرافیایی، اقتصادی و اجتماعی
 - 3- وقایع مختلف نظیر توسعه و یا ظهور ایدئولوژی‌های فرهنگ مبتنی بر مشارکت و جامعه‌پذیری سیاسی مانند لیبرال دموکراسی³³
- لوسین پای اعتقاد دارد که:

فرهنگ سیاسی عبارت است از دیدگاه‌ها، احساسات سیاسی و ادراکات، که رفتار سیاسی را در هر جامعه تعیین کرده و هدایت می‌کند. او اعتقاد دارد که اجزای فرهنگ سیاسی یک توده انباشته و متفاوت نمی‌باشد، بلکه الگوهای منظم و به هم پیوسته‌ای است که در کنار هم قرار دارند و متقابلاً یکدیگر را تقویت می‌کنند.

رابرت دال فرهنگ سیاسی را به گونه‌ای دیگر تعریف می‌کند و ضمن اینکه از آن به عنوان عامل مهم تعیین کننده الگوهای متفاوت سیاسی یاد می‌کند عناصر مهم فرهنگ سیاسی از نظر وی عبارتند از:

سمت‌گیری نسبت به حل مسائل: آیا سمت‌گیری آنها در حل مسائل، عمل‌گرایانه است یا عقلانی؟

سمت‌گیری نسبت به اقدام جمعی: آیا سمت‌گیری آنها نسبت به عمل جمعی، مشارکت جویانه است یا فردگرایانه؟

همان ص 74 32-

همان ص 79 33-

سمت گیری نسبت به سیستم سیاسی: آیا سمت گیری آنها نسبت به سیستم سیاسی، هم‌گرایانه است یا واگرایانه؟

سمت گیری نسبت به مردم: آیا سمت گیری آنها نسبت به مردم بر اساس اعتماد است یا عدم اعتماد؟ در نظر آلموند فرهنگ سیاسی نوعی ابزار مفهومی است که بر شکاف میان بررسی‌های فرد و مطالعات ناظر بر کل نظام سیاسی پل می‌زند. و همچنین لوسین پای معتقد است که فرهنگ سیاسی برای فرد، خطوط راهنمای کنترل بر رفتار سیاسی موثر و برای اجتماع، ساخت نظام‌یافته‌ای از ارزش‌ها و ملاحظات معقول را فراهم می‌آورد. این ساخت نظام‌یافته‌ای از ارزش‌ها و ملاحظات، ما را از سازگاری در عمل نهادها و سازمانها مطمئن می‌کند.

بنابراین فرهنگ سیاسی، محصول تاریخ جمعی یک نظام سیاسی و تاریخ زندگی افرادی است که آن نظام را می‌سازند و به همین دلیل به طور یکسان در حوادث عمومی و تجربه‌های شخصی ریشه دارد^{۳۴}. بطور کلی فرهنگ سیاسی در سطح خرد، شامل فعالیت‌های عادی سیاسی است که سطحی روان‌شناسانه و فردی را در بر می‌گیرد. اما فرهنگ سیاسی در سطح کلان، خود شامل متغیرهای اساسی و مشترک در جامعه سیاسی می‌باشد. پیوند این دو فرهنگ بر اساس قواعد بازی صورت می‌گیرد. بنابراین می‌توان فرهنگ سیاسی را به فرهنگ سیاسی خرد و کلان تقسیم کرد. البته تقسیمات مختلفی را از فرهنگ سیاسی می‌توان ارائه نمود که پرداختن به آنها از عهده این تحقیق خارج است و فقط به بعضی از آنها که مربوط به تحقیق حاضر می‌باشد، پرداخته می‌شود.

جهت گیری‌های فرهنگ سیاسی

فرهنگ سیاسی تابعی از فرهنگ عمومی است. بنابراین ویژگی‌هایی که در مورد فرهنگ بیان شده، در مورد فرهنگ سیاسی نیز می‌تواند صادق باشد. لذا آلموند و وربا با پذیرش سه ایستار شناختی، ارزشی و

عاطفی مطرح شده بوسیله پارسونز اظهار می نمایند که جهت گیری ها با سمت گیری های در حیطه ذهنیت سه جزء دارد:

جهت گیری های شناختی (Cognitive Orientations)

شامل اطلاعات و باورهای ناظر بر نظام سیاسی، رهبران و عملکرد آنان است. به عبارت دیگر داشته ها و باورهای مردم از نظام سیاسی و شناخت آنها از مقررات، نقش ها، نهاده ها و داده ها را نشان می دهد.

جهت گیری های عاطفی یا نفسانی (Affective Orientations)

به احساسات ناظر به نظام، همچون دل بستگی یا انزجار باز می گردد. یعنی نمایانگر احساس تعلق، درگیری و بکارگیری، رد و انکار راجع به موضوعات سیاسی است.

جهت گیری مبتنی بر ارزشیابی یا ارزشی (Evaluative Orientations)

به قضاوت ها و آراء ناظر بر نظام را در بر می گیرد و برای نمونه می تواند شامل کاربست ارزش هایی همچون هنجارهای دموکراتیک باشد. یعنی بطور معمول معیارهای ارزشی را در مورد هدف ها و رخداد های سیاسی به کار می گیرد.

آلموند در ارزیابی سطح فرهنگ سیاسی چهار ضابطه را یاد آور شده است:

فرد چه دانشی (شناختی) در مورد ملت، نظام سیاسی در مفهوم کلی آن، تاریخ آن، اندازه موقعیت، قدرت، خصوصیات قانون اساسی و مانند آن دارد؟ احساس هایش نسبت به خصوصیات منظم چیست؟ عقاید کم و بیش مورد توجه قرار گرفته اش و قضاوت درباره آنها چیست؟

از ساختها و نقش های نخبگان سیاسی مختلف و خط مشی های سیاسی پیشنهادی که در جریان به سوی بالا خط مشی سازی وجود دارد، چه دانشی دارد؟ احساسها و عقایدش در مورد این ساختها، رهبران و خط مشی های سیاسی پیشنهادی چیست؟

درباره جریان رو به پایین اجرای خط‌مشی، ساختها، و تصمیمات درگیر در این روندها چه دانشی دارد؟ احساسها و عقایدش درباره آنها چیست؟

چگونه خود را به عنوان عضوی از نظام سیاسی تصور می‌کند؟ در مورد حقوق، قدرت‌ها، تعهدات و استراتژیهای مربوط به دسترسی به نقطه نفوذ چه دانشی دارد؟ او درباره قابلیت‌هایش چگونه فکر می‌کند؟ چه هنجارهایی از مشارکت و یا اجرا را می‌شناسد و یا به صورت‌بندی کردن داورهای سیاسی، یا رسیدن به عقاید شناسایی می‌کند یا به خدمت می‌گیرد؟

بدین ترتیب در شناخت رابطه فرهنگ سیاسی و نظام سیاسی با انواع گوناگون سمت‌گیری، شناختی، احساسی و ارزشی نسبت به نظام سیاسی بطور کلی آن، جنبه‌های درون‌داد و برون‌داد و سرانجام به عنوان بازیگر سیاسی مشخص شده است.

تنوع در تقسیم بندی فرهنگ سیاسی

یکی از مسائلی که در زمینه فرهنگ سیاسی مطرح است تنوع در تقسیم‌بندی‌های مربوط به فرهنگ سیاسی می‌باشد. این تنوع در تقسیم‌بندی شاید دلیل گوناگونی و تفاوت میان جوامع گوناگون است. به همین ترتیب در عین آنکه جوامع و نظام‌های گوناگون با یکدیگر تفاوت عمده‌ای دارند، جوامع از لحاظ محیط درونی متفاوت می‌باشد. بنابراین ما با بحث زیر فرهنگ‌ها مواجه هستیم طبق تقسیم‌بندی آلموند و وربا فرهنگ سیاسی را به سه دسته تقسیم می‌کنند:

فرهنگ سیاسی محدود:

در این نوع فرهنگ جهت‌گیری‌های افراد نسبت به نظام سیاسی بطور کامل ناآگاهانه و سازمان نیافته است. مردم از لحاظ ذهنی و روانی بطور کامل با سیاست ناآشنا و ناآگاه می‌باشند. خود را از یک ملت نمی‌دانند آنان تصور نمی‌کنند به هیچ وجه در شکل‌گیری تصمیم‌ها و یا دگرگونی‌های سیاسی موثر باشند. این افراد نوع وابستگی را نسبت به نظام احساس می‌کنند و در اصل نوعی رابطه هرم‌وار به صورت خطی

یک طرفه از رأس هرم، که قدرت متمرکز است نسبت به جامعه افراد وجود دارد در این حالت افراد به هیچ وجه احساس یا تصویری از صلاحیت و کارآیی سیاسی ندارند.^{۳۵}

فرهنگ سیاسی تبعی:

در این نوع فرهنگ سیاسی افراد از وجود نظام سیاسی آگاهی دارند ولی نهادهای تجمع و بیان خواسته‌ها کامل نمی‌باشد. یا نظام دچار ضعف ساختاری است.^{۳۶} به عبارت دیگر بیشتر شهروندان نقش‌های گوناگون حکومت، نظیر قانون‌گذاری و دیگر وظایف محوله بر حکومت را می‌دانند اما به صورت انفعال با سیاست درگیر هستند. دیگر سخن مردم از لحاظ صورتی سیاست را پی‌گیری می‌کنند، اما از لحاظ ذهنی و روانی در خود احساس تعهد و تکلیف را ندارند. سیستم انتخاباتی در این نوع فرهنگ‌ها موجود ولی ناآگاهانه است. صلاحیت و کارآیی سیاسی در این گونه جوامع مراحل بسیار ابتدائی خود را طی می‌کند و هنوز به طور کامل مورد ادراک قرار نگرفته است.

فرهنگ سیاسی مشارکتی

در این فرهنگ مردم را بطور نسبی در نهادها «طرح خواسته‌ها و تقاضاها» و نیز داده‌ها (استراتژیها، قوانین و طبقه‌بندی اولویت‌ها) نقش دارند و نسبت به رفتار نخبگان سیاسی حساسند. در کشورهای برخوردار از این فرهنگ سیاسی، شهروندان از لحاظ روانی بر این باورند که می‌توانند به نظام سیاسی کمک کنند و بر تقسیمات سیاسی موثر واقع شوند.^{۳۷}

گونه‌های مثالی یاد شده به صورت خالص در هیچ فرهنگی وجود ندارد و معمولاً تمام فرهنگ‌های سیاسی، ترکیبی از این سه گونه می‌باشد لذا آلموند و وربا با ترکیب آنها، سه نوع فرهنگ سیاسی مختلط را بیان می‌دارند که عبارتند از: فرهنگ سیاسی تبعی - مشارکتی، محدود - مشارکتی، محدود -

- عالم، عبدالرحمن، مفهوم فرهنگ سیاسی، مجله سیاست خارجی، سال نهم، شماره 4، زمستان 1374 351

- قوام، عبدالعلی، سیاست‌های مقایسه‌ای، تهران، سال 1372 36

- همان 72 37

تبعی. فرهنگ‌های محدود - تبعی و تبعی - مشارکتی، کم و بیش مراحل انتقالی بین فرهنگ‌های به ترتیب محدود و تبعی و فرهنگ‌های تبعی و مشارکتی هستند.

فرهنگ سیاسی محدود - مشارکتی

این فرهنگ در بسیاری از مناطق در حال توسعه عمومیت دارد، نهادهای سیاسی و ارزش‌های رهبران، خصوصیت فرهنگ سیاسی مشارکتی را دارد، اما وفاداری‌های ابتدایی توده‌ها بطور مستقیم متوجه قبیله، دهکده و رهبران مذهبی باقی می‌ماند. بنابراین اگر چه افراد نمادهای مشارکت متعددی چون پرچم‌ها، قوانین اساسی، سرودهای ملی را ایجاد می‌کند، اما سودمندی این نمادها در به جنبش درآوردن توده‌ها و پا ساختن حمایت برای رژیم مساوی با هیچ است.

فرهنگ سیاسی محدود - تبعی

در این نوع از فرهنگ افراد از وابستگی‌های سیاسی محلی و فرهنگ سیاسی محدود خارج شده و اقدام به وفاداری به نهادهای حکومتی و تخصص شده‌تر می‌کنند. در این نظام افراد سعی می‌کنند تا خود را در درون یک نظام پیدا کرده و به صورت انفعالی در فعالیتهای سیاسی شرکت کنند. زیرا کانال‌های مشارکتی نظیر احزاب و گروه‌های ذی‌نفوذ هنوز پدید نیامده‌اند، به صورت ابتدایی می‌باشد و یا هنوز کارایی لازم برخوردار نمی‌باشد. نظام‌های موناشرسی سنتی از این دست می‌باشد.

فرهنگ سیاسی تبعی - مشارکتی

در این فرهنگ افراد از لحاظ سیاسی به گروه‌های آگاه و فعال و منفعل تقسیم می‌شوند. گروه فعال نسبت به کلیه اهداف سیاسی حساس است و می‌تواند در بسیاری از موارد، رفتار نخبگان را در مورد تصمیمات و سیاست‌ها تحت تأثیر قرار دهد. نمونه بارز این گونه فرهنگ را در کشورهایمان چون آلمان و فرانسه از قرن 19 مشاهده می‌کنیم.

تجزیه و تحلیل‌های آلموند و وربا درباره فرهنگ سیاسی 5 کشور دموکراتیک (آمریکا، انگلستان، آلمان، ایتالیا و مکزیک) به این نتیجه می‌رسد که بهترین محیط فرهنگی برای یک کشور دموکراتیک، هیچ یک از 6 فرهنگ مذکور نیست و فقط فرهنگ مدنی (اجتماعی) است که ترکیبی از چند فرهنگ است کاربرد دارد و در این زمینه آلموند می‌گوید:

«فرهنگ اجتماعی عبارت از فرهنگ سیاسی مرکب است. در آن بسیاری افراد در سیاست فعالند، اما گروهی نیز وجود دارند که نقش غیرفعال را در موضوع انتخاب می‌کنند. مهمتر اینکه حتی در میان کسانی که نقش سیاسی فعالانه شهروندی را ایفا می‌کنند، نقش‌های تبعی و محدود نیز جایگزین نشده است. نقش مشارکتی به نقش‌های تبعی و محدود نیز اضافه شده است. این بدان معنا است که شهروند فعال، کماکان روابط سنتی و غیر سیاسی خود را به همان درجه نقش سیاسی غیر فعال‌تر خود به عنوان یک شهروند، حفظ می‌کند.»³⁸

بدین ترتیب، ترکیبی از فرهنگ‌های تبعی و مشارکتی می‌تواند باعث تقویت اعتماد متقابل میان نخبگان و مردم شود و مردم دارای تلقی مثبتی از اقتدار باشند. در این نوع فرهنگ، فرهنگ سیاسی مشارکتی از طریق جهت‌گیری‌های تبعی و محدود نسبت به مسائل سیاسی متوازن می‌شود. بر این اساس، افراد برای تبیین تقدم‌های خویش به اندازه کافی در امور سیاسی فعالند، ولی در همه موارد مشارکت قادر به تأثیرگذاری بر رفتار نخبگان سیاسی نیستند. یکی از ویژگی‌های این فرهنگ آن است که شهروند احساس می‌کند توانایی لازم را برای تحت تأثیر قرار دادن حکومت دارد. اما غالباً ترجیح می‌دهد که چنین نکند که همین امر نوعی انعطاف‌پذیری را برای حکومت به وجود می‌آورد.

نتیجه گیری :

در این فصل در صدد بیان چار چوب نظری این پژوهش بوده ایم که خود ترکیبی از نظر شهید صدر که همان تحول باطنی و دگرگونی اجتماعی است که در صدد بیان وضعیت فرهنگ سیاسی عصر جاهلی و بیان فرهنگ سیاسی در دوران حکومت نبوی با توجه به دوران گذار و تحولاتی که در این راستا به وجود آمده و توضیح الگوی وربا و آلموند زیرا وربا می گوید که فرهنگ سیاسی بین تجزیه و تحلیل خرد، یعنی جنبه روان شناسی رفتار سیاسی فرد، و تجزیه و تحلیل کلان، یعنی جامعه شناسی سیاسی ارتباط نزدیکی وجود دارد و فرهنگ سیاسی می خواهد که تجزیه و تحلیل رفتاری در بررسی مفهوم های مهم سیاسی مثل ایدئولوژی سیاسی، حاکمیت، مشروعیت، ملیت و حکومت به کار برود. فرهنگ سیاسی از

نظر طرفداران این رهیافت یک مفهوم پایه‌ای است که به مفهومی‌هایی مثل ایدئولوژی، خصیصه ملی، روحیه ملی و روان‌شناسی سیاسی نظام دقیق‌تر و علمی‌تری می‌دهد و با پیوند تجزیه و تحلیل در سطح خرد (فرد) و در سطح کلان (جامعه) می‌توان رفتار فرد و ماهیت و حرکت نظام هر دو را یکجا بررسی کرد و در پیدا کردن ریشه‌های فرهنگ سیاسی هم می‌توان تحول تاریخی نظام سیاسی را بررسی کرد و هم تجربه‌های افراد را. بنابراین باورهای سیاسی انسان تنها نگرش او به مسایل سیاسی و حزبی نیست. باورهای بنیادی او مثل عقیده به نقش انسان در محیط و اعتماد و بی‌اعتمادی به سرشت انسان نیز قسمتی از نگرش سیاسی اوست.

با این حال وقتی از فرهنگ سیاسی حرف می‌زنیم منظور گرایش‌های پراکنده این یا آن فرد یا فلان گروه نیست. منظور از فرهنگ سیاسی گرایش‌هایی است که تمام اعضاء یک نظام سیاسی به صورتی در آن سهم دارند. به عبارت دیگر گفتگوی ما از نظام، باورهای کلی جامعه است. در این صورت این پرسش مطرح می‌شود که برای پیدا کردن باورهای کلی جامعه چه کار باید کرد؟ مثلاً باور مربوط به هویت سیاسی را می‌توان یکی از مهمترین باورها در فرهنگ سیاسی دانست. این که فرد در درجه اول، خود را عضو کدام واحد یا واحدها بداند، مثلاً در درجه اول هویت خود را به خانواده، قبیله، قوم، منطقه یا ملت منتسب کند از عوامل بسیار مهمی است که فرهنگ سیاسی او را تعیین کند.

لذا طبق این چارچوب در فصل دوم به بررسی فرهنگ سیاسی در عصر جاهلی تا آستانه بعثت و ظهور اسلام خواهیم پرداخت و سپس در فصل سوم نشان خواهیم داد که این فرهنگ پس از ظهور پیامبر اکرم^ﷺ و هجرت ایشان به مدینه دچار چه تحولاتی ماهوی خواهد شد.